

## نقد و بررسی نگاه مستشرقان به قیام امام حسین (ع) از منظر اخلاق هنجاری

علی کریمپور قراملکی\*

DOI: 10.22096/RC.2024.2003350.1119

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴]

### چکیده

پژوهش‌های اخلاق هنجاری، یک بخش از تحقیقات اخلاقی است که درباره ارائه طرح کلی از معیارهای ارزش اخلاقی و تعیین مصادیق خوب و بد بحث می‌کند. نقد و بررسی رویکرد اسلام‌شناسان غربی به امام حسین با توجه به نگاه نقادانه برخی از آنان، در جهت ارائه تصویر منفی از عملکرد آن حضرت، حائز اهمیت فراوان است. نوشتار حاضر با هدف نقد مطالعه برخی مستشرقان درباره امام حسین و نهضت ایشان نگارش یافته است و با روش توصیفی - تحلیلی می‌کوشد به این پرسش پاسخ بدهد که بر اساس چه دلایلی برخی مستشرقان قیام امام را ضدارزشی و غیراخلاقی دانسته و در نتیجه تلاش کرده‌اند بر عملکرد امام ایراد بگیرند؟ یافته‌های پژوهش نشانگر این است که اولاً، اثبات خدشه‌دار بودن نظرات مستشرقان و تثبیت تصویر مثبت اخلاقی از چهره امام حسین در دنیای معاصر غربی امکان‌پذیر است. ثانیاً، اتهام موضوعاتی، همچون قدرت‌طلبی، پاسخ به دعوت کوفیان و شهرت‌خواهی به امام با هدف ناهنجار نشان دادن قیام امام، به دلیل تکیه صرف بر روش تاریخ‌مندی و بی‌توجهی به روش پدیدارشناسی، نمی‌تواند پژوهشی کامل و صحیح به شمار بیاید.

**واژگان کلیدی:** امام حسین؛ قیام عاشورا؛ اخلاق هنجاری؛ نقد خاورشناسان؛ اسلام‌شناسان غربی.

\* استادیار، دانشکده قرآن و حدیث، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.



## ۱. طرح مسئله

جهان اسلام از دیرباز مرکز توجه اذهان اروپاییان بوده است. قرن نوزدهم، آغاز مطالعه و پژوهش منسجم غربیان درباره عالم اسلامی است. قرن نوزدهم که نشانگر تصویری جدید از توسعه اروپاست، انعقاد نطفه جدیدی از مطالعات شرق‌شناسی در منطقه اروپا است. در این دوره، حوادث جهان اسلام از طرف خاورشناسان و اسلام‌شناسان غربی موضوع مطالعه قرار می‌گیرد. یکی از حوادثی که توجه آنان را به شدت جلب می‌نماید، مسئله نهضت عاشورا و پیشوای این حرکت با نام امام حسین علیه السلام است. شرق‌شناسان از ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره به دنبال پژوهش درباره شخصیت امام حسین برآمده‌اند که یکی از موارد مهم آن، مقوله نسبت امام حسین با رویکرد اخلاق هنجاری است. برای جهان غرب مهم بود بدانند که معیارهای درست و نادرست ارزشی بر پایه این نهضت و عملکرد امام حسین در صحنه عاشورا چیست؟ و مصادیق خوب و بد در آن صحنه هولناک چه اموری بوده است؟ دیگر اینکه مصادیق مزبور بر چه پایه‌هایی فکری و بنیادی ساخته شده‌اند؟ اینها و موارد دیگر، از جمله پرسش‌هایی است که برای شرق‌شناسان در زمینه نهضت امام حسین مطرح است. در نوشتار حاضر، سعی می‌شود به این پرسش‌ها، پاسخ داده شود و ایرادات شکلی و محتوایی مطالعات آنان به درستی روشن گردد.

## ۲. پیشینه پژوهش

به‌طور کلی درباره شخصیت و زندگی حسین بن علی علیه السلام آثار فراوانی در قالب دانشنامه، زندگی‌نامه، مقتل و تاریخ تحلیلی نگاشته شده که بیش از چهل کتاب و مقاله با موضوع «کتاب‌شناسی امام حسین» به معرفی آنها پرداخته، از جمله در کتاب *شناسی اختصاصی امام حسین*، ۱۴۲۸ اثر با مشخصات نشر نام برده شده است.<sup>۱</sup> در زمینه نهضت امام حسین علیه السلام از منظر مستشرقان نیز آثار مکتوب مثل کتاب و مقاله و پایان‌نامه متعدد به دست محققان اسلامی و غیراسلامی به نگارش درآمده است، از آن جمله: کتاب «امام حسین علیه السلام از دیدگاه شرق‌شناسان» نوشته غفور آفازاده سلطانی، سید احسان شکرخدایی. ولی در خصوص شخصیت امام حسین و نهضت عاشورا با نگاه اخلاق هنجاری، به شکل نامنسجم و پراکنده در تحقیقات محققان به چشم می‌خورد، لکن با عنوان تحلیل مطالعه مستشرقان از امام حسین و حرکت ایشان با نگاه اخلاق هنجاری، به رؤیت نگارنده نرسید. در این نوشتار، سعی

۱. حشمت‌الله صفرعلی‌پور، کتاب‌شناسی اختصاصی امام حسین (قم: یاقوت، ۱۳۸۱ش)، ۲۵۵.

نقد و بررسی نگاه مستشرقان به قیام امام حسین (علیه السلام) از ... / کریمپور قراملکی ۲۷۳

می‌شود اذهان شرق‌شناسان درباره امام حسین و نهضت عاشورا با رویکرد اخلاق‌هنجاری مورد بازبینی قرار بگیرد تا ایرادهای خاورشناسان معلوم گردد.

### ۳. مفهوم‌شناسی

اصطلاح «اخلاق‌هنجاری»، (Normative Ethics) شاخه‌ای از فلسفه اخلاق است که به پرسش‌هایی از قبیل «فرد چگونه باید از لحاظ اخلاقی عمل کند؟» می‌پردازد. به این نوع اخلاق، اخلاق دستوری و توصیه‌ای هم گفته می‌شود.<sup>۲</sup> طبق گفته محققان، اخلاق‌هنجاری با فرااخلاق تفاوت دارد، زیرا اخلاق‌هنجاری، معیارهای درستی و غلط بودن عمل را بررسی می‌کند، درحالی‌که فرا اخلاق، به مطالعه مفهوم زبان اخلاقی و متافیزیک حقایق اخلاقی می‌پردازد.<sup>۳</sup>

از این رو، وظیفه اصلی اخلاق‌هنجاری ارائه طرح کلی و فراگیر از معیارهای عمومی الزام و ارزش اخلاقی به لحاظ‌های مختلف همچون غایت و هدف، ویژگی‌های ذاتی عمل یا صفت اختیاری انسان است. از طرف دیگر، تعیین مصادق خوبی و بدی از افعال انسانی است. برای مثال، عدل خوب است یا نه؟ و اگر عدل، زیبا است بر چه پایه‌هایی، خوب است؟ و دیگر اینکه، مصادق عدل در رفتارهای انسانی چیست؟<sup>۴</sup> در اخلاق‌هنجاری با سه نظریه مهم مواجه هستیم: ۱. نظریه نتیجه‌گرا که بر پایه‌هایی مانند: لذت، سود، قدرت و معرفت مبتنی است. ۲. نظریه وظیفه‌گرا که بر ویژگی‌های درونی و ذاتی عمل استوار است. ۳. و دیگری، نظریه فضیلت‌گرا که متکی بر ویژگی‌ها و خصایل شخصیتی است.<sup>۵</sup>

اصطلاح «مستشرقان» هم، که از آن با عناوین خاورشناسان و اسلام‌شناسان غربی نام برده می‌شود به معنای شرق‌شناسان غربی، اعم از اروپایی و آمریکایی است که پی‌گیر مطالعه و تحقیق روی جهان شرق و حوادث اتفاق افتاده در آن هستند.<sup>۶</sup> بارزترین‌ترین محدوده جغرافیایی شرق‌شناسی، جغرافیای دینی است.<sup>۷</sup> در این نوع پژوهش، سعی بر این است که

2. Normative Ethics, Shelly Kagan (Oxford: Westview Press, 1998), 2.

۳. امیر خواص و دیگران، فلسفه اخلاق (قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵ش)، ۲۰.

۴. دیوید مک ناوتن، نگاه اخلاقی، ترجمه حسن میان‌داری (تهران: سمت، ۱۳۸۳ش)، ۲۴؛ و ویلیام کی فرانکنا، فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی (قم: کتاب طه، ۱۳۸۳ش)، ۲۴-۲۵.

۵. جین پورتر، «اخلاق فضیلت»، فصلنامه قیسات، شماره ۱۳ (۱۳۷۸): ۱۴۰-۱۴۷.

۶. ادوارد سعید، شرق‌شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱ش)، ۵۴.

۷. محمدحسن زمانی، شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی غربیان (قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷ش)، ۴۵؛ و علی کریم‌پور قراملکی، صیانت وحی (پاسخ به برخی از شبهات مستشرقان) (قم: نشر ادباء، ۱۳۹۷)، ۲۳.

حوادث دینی با اغراض مختلف، مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرند. محققان کلیسایی، آکادمیکی و متولیان دولتی در جهان معاصر، عهده‌دار فرایند مذکور هستند.<sup>۸</sup> افرادی مانند: یوحنا دمشقی، پطرس، ویلیام، لوودیکو ماراچی، لوکزنبرگ، نولدکه، بلاشر، گلدزیهر و غیره، افرادی هستند که در خصوص مسائل دینی از جمله قرآن کریم، نظریاتی را ارائه داده‌اند. اشخاصی مثل: گابریل انگیری، ژول لایوم، ماریین، ادوارد گرانویل براون، رینولد آلین نیکلسون، آنتوان بارا، مایکل آلن کوک، آنه ماری شیمل و... از جمله افرادی هستند که در خصوص امام حسین و نهضت آن حضرت اظهار نظر نموده‌اند.<sup>۹</sup> عاشورا پژوهی غربی‌ها، در قالب نوشته‌های کلاسیک و علمی و تحلیلی، به نیمه دوم سده نوزدهم میلادی مربوط است. اما این نوشته‌ها در لابه‌لای کتاب‌ها آمده و مستقل نبوده است. ویژگی دیگر این پژوهش‌ها، این است که به جای روش پدیدارشناسانه، با روش تاریخی و اتکا بر منابع تاریخی تدوین شده‌اند. زیرا روش پدیدارشناسانه، مطالعه پدیده‌ها از هر نوع، و توصیف آنها با در نظر گرفتن شیوه بروز تجلی آنها، پیش از هرگونه ارزش‌گذاری، تأویل و یا قضاوت ارزشی و نیز تعلیق باورها و قصدهای قبلی است، درحالی‌که محققان غربی بر اساس مستندات و شواهد تاریخی و باورهای پیشین، به دنبال ارزش‌گذاری و قضاوت در قیام امام حسین (علیه السلام) برمی‌آیند.

#### ۴. امام حسین، قدیس و قهرمان اخلاقی

مطالعه زندگی‌نامه امام حسین (علیه السلام) و یاران باوفایش، نشانگر این است که آن حضرت به همراه انصارش، از قهرمانان و قدیسان اخلاقی شمرده می‌شوند؛ چراکه برخی محققان، بر این باورند که قدیس و قهرمان اخلاقی، کسی است که یکی از سه مؤلفه ذیل در او وجود داشته باشد: یک- محبت و خوفی بیرونی، مانع از انجام وظیفه اخلاقی او نباشد. دو- محبت و خوف دورنی، مانع از زیست اخلاقی او نباشند. سه- محبت‌های عالی‌تر، او را معتقد بر این نماید که بایستی حتی به فوق وظیفه خود عمل نماید.<sup>۱۰</sup>

انسان، زمانی که خصوص حیات امام حسین (علیه السلام) را در زمان پدر بزرگوار و برادر

۸. کریم‌پور قراملکی، صیانت وحی (پاسخ به برخی از شبهات مستشرقان)، ۴۱-۴۵.

۹. ادوارد براون، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه بهرام مقدادی، جلد ۴ (تهران: مروارید، ۱۳۶۹)، ۱۸۵؛ رینولد نیکلسون، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه کیواندخت کیوانی (تهران: نشر میستار، ۱۳۸۰ش)، ۲۱۱؛ آنتوان بارا، امام حسین در اندیشه مسیحیت، مترجمین دکتر فرامرز میرزایی و دکتر علی باقر طاهرنیا (همدان: دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۸۱ش)، ۴۲؛ و مایکل کوک، امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، ترجمه احمد نمایی، جلد ۱ (مشهد مقدس: آستان قدس، ۱۳۸۴ش)، ۱۸-۱۹.

۱۰. مصطفی ملکیان، امام حسین (ع) قدیس و قهرمان اخلاقی (تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۳)، ۲۹.

نقد و بررسی نگاه مستشرقان به قیام امام حسین (علیه السلام) از ... / کریمپور قراملکی ۲۷۵

گرامی‌اش مطالعه می‌کند و سخنان و رفتارهای ایشان را در زمان خلافت یزید بررسی می‌نماید، متوجه یک صفت بارز بسیار مهم می‌گردد و آن، عنوان قدیس و قهرمان اخلاقی بودن ایشان است.

علت اینکه، امام حسین (علیه السلام) را باید به‌عنوان قهرمان و قدیس اخلاقی شمرد، این است که آن حضرت در زمان ستمگری یزید که بیشتر مردم از روی محبت یا خوف از دستگاه خلافت تبعیت می‌کردند، واژه‌ای پیدا ننمود و علیه ظلم قیام نمود. همینطور، از محبت‌ها و خوف‌هایی که در دل خود نسبت به زندگی و تداوم آن داشت، نتوانست از انجام وظیفه اخلاقی او جلوگیری نماید. به همین سبب، با تمام قوا بر علیه بی‌عدالتی و فساد حاکم بر جامعه شورش کرد. هم چنانکه، از حیث محبت‌های عالی‌تر و برتر، نه تنها ایشان، عمل به وظیفه اخلاقی‌اش کرد بلکه باعث اعتقاد وی بر این شد که باید به فوق وظیفه خود عمل کند و رسالتی دارد که مکلف به انجام آن در حیات فردی و جمعی خود می‌باشد.<sup>۱۱</sup>

#### ۵. بررسی اجمالی معیارهای اخلاقی در نهضت امام حسین

معیار بایستگی و نبایستگی در اعمالی که انسان به دنبال انجام آنهاست، از مباحث مهم در موضوع اخلاق است. اخلاق هنجاری، پیگیر سخن در این رابطه است که چه معیارها و مبانی در کارهای منتخب انسان، باید منظور نظر باشد؟ در مکاتب غربی، معیارهایی همچون مطلوبیت، کمال، محبوب بودن، سودمندی و ترتب ثمرات، زیبایی و... بیان شده است. اما از منظر دین اسلام، مبانی همانند: هماهنگی با فطرت الهی، همسویی با من برتر یعنی من علوی، سازگاری با عاطفه بشری، تجلی اسماء و صفات الهی، عبودیت و بندگی و درک آن، مورد توجه اساسی قرار گرفته است.<sup>۱۲</sup>

مقایسه میان امام حسین و اعمال او و آموزه‌های قرآنی و حدیثی، نشانگر این است که عملکرد آن حضرت، از نوع ارزش و اصول اخلاقی است به دلیل آنکه، مشتمل بر حسن ذاتی (حسن فعلی) و نیت زیبا (حسن فاعلی) بوده است.<sup>۱۳</sup> همچنین، به دلیل جایگاه والای ایشان است که پیامبر در حق ایشان و برادر بزرگش امام حسن (علیه السلام) فرمودند: «هر کس این دو (حسن و حسین) را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر که با آنان دشمنی ورزد با من دشمنی

۱۱. ملکیان، امام حسین (ع) قدیس و قهرمان اخلاقی، ۳۰.

۱۲. حسن معلمی، فلسفه اخلاق، چاپ اول (قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴ش)، ۲۲.

۱۳. مجتبی مصباح، «نقش نیت در ارزش اخلاقی»، فصلنامه اخلاقی و حیاتی، شماره ۲ (۱۳۹۱): ۸۱-۱۰۴.

نموده است<sup>۱۴</sup> و در خصوص ایشان فرمودند: «حسینٌ منی و انا من حسینٍ أحبَّ اللهُ مَنْ أَحَبَّ حُسیناً»<sup>۱۵</sup> تا آنجا که فرمودند: «بر سمت راست عرش الهی نوشته است: «حسین، چراغ هدایت و کشتی نجات و ریسمان محکم است»»<sup>۱۶</sup>.

دلیل استخراج و استنباط اصول اخلاقی در ارزشی دانستن اعمال و گفتارهای امام حسین، همان اعمال و سخنانی است که از امام حسین علیه السلام در طول زندگی مشاهده می‌شود. زیرا همه کارهایی که امام انجام داده است، بر اساس پایه‌های فکری و بنیادی است که بدان‌ها اعتقاد راسخ و تسلیم قلبی داشت. شناخت و آگاهی که امام حسین، از اسلام و قرآن داشت با دل او هم پیوند خورده بود؛ لذا آن حضرت در تمام اوقات خوشی و ناخوشی، حاضر به ترک آنها نبود و برای انجام وظیفه، حتی ناخوشی‌های کشنده را بر همه خوشی‌های آن روزگار ترجیح داده و جان عزیز خودشان را به همراه تمام جان عزیزانشان، فدای اسلام و دین نمودند.

## ۶. معیارسنجی اخلاقی عملکرد امام حسین علیه السلام از منظر مستشرقان

در مقابل دیدگاه واقع‌بینانه قبلی، برخی از مستشرقان، با نگاه تک‌بعدی، یعنی روش تاریخی، به مسئله حادثه عاشورا به جای نگاه پدیدارشناسانه، گمان کرده‌اند که امام حسین علیه السلام، معیارهایی را ارائه می‌دهد که انسان را به کارهای هنجارشکنانه سوق می‌دهد. درحالی‌که قضاوت فوق، متأثر از مستندات تاریخی است؛ یعنی اینکه امام حسین فردی بود که در زمان حکومت یزید زندگی می‌کرد. او بر علیه حکومت یزید شورش نمود و امنیت را از جامعه گرفت و موجب ناسلامتی و به خطر افتادن جان برخی از افراد، از جمله خانواده خود و پیروانش گردید. لکن مطالعه موضوع قیام با انسلاخ از رنگ حکومت و تزلزل امنیت جامعه و نیز نگرش پدیدارشناسانه، یعنی ملاحظه ابعاد انسانی و فجایی که در زمان حکومت یزید صورت گرفت، رذائل اخلاقی که در حکومت وقت و آحاد جامعه وجود داشت مثل دروغ‌گویی، تزویر، اخذ رشوه، بی‌مبالاتی نسبت به احکام دینی، پذیرش ستم، ستمگری ظالمان و نیز قرائت‌های ناصواب از آموزه‌های دینی که همه برخلاف نصوص منقول از پیامبر و صحابه پیشین بودند و... نشانگر انحراف حکومت و آحاد جامعه از خط مشیی بود که پیامبر

۱۴. ابن‌سعد، *الطبقات الکبری*، جلد ۱۰، چاپ دوم، (بیروت: نشر دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق)، ۲۶۶؛ علی‌بن‌حسن ابن‌عساکر، *تاریخ مدینة دمشق*، جلد ۱۳، چاپ اول، (بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ق)، ۱۹۸ و ۱۹۹؛ و علی‌بن‌عیسی اربلی، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، جلد ۱، چاپ اول (قم: نشر رضی، ۱۴۲۱ق)، ۶۰۲.

۱۵. بلاذری، *احمد بن یحیی، أنساب الأشراف*، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، جلد ۳ (بیروت: نشر دار الفکر، ۱۴۱۷ق)، ۱۴۲؛ و ابن‌سعد، *الطبقات الکبری*، ۱۰: ۳۸۵.

۱۶. جعفر بن محمد ابن‌نمای حلی، *مثیر الاحزان* (قم: انتشارات مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۶ق)، ۴.

نقد و بررسی نگاه مستشرقان به قیام امام حسین (علیه السلام) از ... / کریمپور قراملکی ۲۷۷

اسلام به یادگار گذاشته بود و آیات قرآن، بدانها راهنمایی می نمود، چراکه به طور قطع، کتاب و سنت پیامبر اسلام، هیچ وقت تصدی شخصی فاسق، ستمگر، مشروب خوار و سگ باز را برای حاکمیت اسلامی نپسندیده و آن را، از مصادیق طاغوت می شمارد. برای نمونه خداوند در آیه ۳۶ سوره نحل، «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...»، اجتناب از طاغوت پذیری را برای تک تک بندگان خداوند لازم شمرده است یا در آیه شریفه ۶۰ سوره نساء، «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ...»، پذیرش حکومت طاغوت را ضلالت آشکار شمرده است. همینطور، در آیه شریفه ۷۶ همین سوره، «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ...»، امر به مبارزه با طاغوت می کند.

البته در مقابل گروه نخست بعضی مستشرقین، با نگرش پدیدارشناسانه به قیام اباعبدالله قضاوت منصفانه نموده اند.<sup>۱۷</sup>

## ۷. بررسی تحلیل های مستشرقان درباره عملکرد امام حسین

در هر صورت، مشاهده می شود که برخی مستشرقان، تنها با تکیه بر نگاه تاریخی درباره نهضت عاشورا، معیارهایی را از منظر امام بیان داشته اند که به کلی مخدوش بوده و مطابق با واقع و حقیقت نیستند.<sup>۱۸</sup> در اینجا برخی نظرات ادعایی آنان بررسی می شود:

### ۷.۱. قدرت خواهی و مطالبه حکمرانی از طرف امام

(رینولد نیکلسن) انگلیسی (۱۹۴۵-۱۸۶۸)، معتقد است که از منظر امام حسین، اغتشاش و اعتراض و ناامن نمودن کشور برای رسیدن به تخت پادشاهی، عملی صحیح است، درحالی که روشن است نیل به سود مادی، نمی تواند پایه انجام عملی محسوب شود. وی در این زمینه می نویسد: «برخی مورخان جدید اروپا، اعتقاد دارند که او (امام حسین) خود را برای رسیدن

۱۷. مایکل کوک، امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، ترجمه احمد نمایی، جلد ۱ (مشهد مقدس: آستان قدس، ۱۳۸۴ش)، ۱۸-۱۹؛ بارا، امام حسین در اندیشه مسیحیت، ۴۲؛ نیکلسون، تاریخ ادبیات ایران، ۲۱۱؛ ادوارد گرانویل براون، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه بهرام مقدادی، جلد ۴ (تهران: مروارید، ۱۳۶۹)، ۱۸۵؛ سرپرستی مولز ورشا سایکس، تاریخ ایران، سید محمدتقی فخر داعی گیلانی (تهران: چاپخانه علمی، ۱۳۸۸ش)، ۷۵۱-۷۵۲؛ آنه ماری شیمبل، ابعاد عرفانی اسلام، ترجمه عبدالرحیم گواهی (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴ش)، ۱۰۹-۱۱۰.

۱۸. علی علیشاهی و امین علیشاهی، «امام حسین و عاشورا پژوهی مستشرقین فرانسوی»، فصلنامه معارف حسینی، شماره ۱۶ (۱۳۹۸): ۸۹-۱۰۶.

به تخت پادشاهی، به عسر و حرج انداخت، کشور را دچار ناامنی نمود و سزاوار سرکوب شدن بود.<sup>۱۹</sup>

از نظر «هانری لامنس» فرانسوی الاصل (۱۸۸۴-۱۹۷۶) نیز، مطامع شخصی می‌تواند درستی کاری را از منظر امام حسین توجیه و مدلل کند زیرا به گفته وی، «امام حسین، خود را در ورطه نابخردانه‌ای انداخت و در وضع کاملاً شخصی و عادی سقوط نمود».<sup>۲۰</sup>

«هیو کندی»، مستشرق دیگری است که معتقد است امام حسین به دلیل مشاهده حکومت موروثی، علیه آن قیام کرد و از روی نخوت و سرکشی بود که خواست بر علیه حکومت وقت که قانونی بود، شورش کند.<sup>۲۱</sup>

### نقد و بررسی

عقیده به مبنای مذکور، از جهات ذیل قابل خدشه است:

#### الف) مخالفت با ملاک قابل قبول در اصول اخلاقی

سخنان هر سه مستشرق از دو زاویه متفاوت قابل خدشه است:

تحلیل نخست: نگاه درونی

ادعای «رینولد نیکلسن» در تحلیل شخصیت امام ناصحیح است، به دلیل اینکه آن حضرت از حرکت خود در مدینه تا مکه و از آنجا به سمت عراق و سرزمین کربلا، هیچ سخنی از امر شخصی و فردی بر زبان نیاورده‌اند و هر جا مطلبی ذکر کرده‌اند تنها از اصلاح امت و جامعه بر اساس سیره جدش، پیامبر اسلام سخن گفته‌اند؛ سیره‌ای که همگی، مطابق با حقیقت و دور از باطل بوده است.

از اینکه هانری لامنس حرکت امام (علیه السلام) را امری شخصی انگاشته و آن را، همچون حوادث معمولی دیگر، یک حرکت عادی حساب می‌نماید، معلوم می‌شود که از دیدگاه وی، جامعه در برابر فرد اصالت دارد و خواسته جامعه برای همیشه، مقابل فرد و خواسته اوست، زیرا بر اساس قضاوت وی، آن رفتار و سخنی ارزشمند و مطابق با اصول اخلاقی است که جمع

۱۹. نیکلسون، تاریخ ادبیات ایران، ۱۹۷.

20. Lammens, H., *Islam, Beliefs, and Institutions*, trans. Sir E. Denison Ross (London: Methuen, 1926/ 1929), 144.

21. Kennedy, H, "The caliphate," in Choueiri, ed, (2005), 56.

نقد و بررسی نگاه مستشرقان به قیام امام حسین (علیه السلام) از ... / کریمپور قراملکی ۲۷۹

بشری آن را پسندیده باشند. پس، لازمه سخن وی درباره قیام امام حسین این است که مطابقت و عدم مطابقت با حق و حقیقت، ملاک ارزشی و غیرارزشی رفتار و گفتار نیست، بلکه مطابقت با خواسته جمع که همان رسیدن به سود مادی و منافع دنیوی است، میزان است. هر عمل و سخنی را که جامعه بپذیرد حق است، هرچند فی الواقع خلاف حق و حقیقت باشد. با این حساب، معلوم می‌شود که همه رفتارها و سخنان انبیای گرامی در طول حیاتشان ناصواب بوده است، چون برخلاف خواسته جامعه خودشان صورت می‌گرفته است؛ از این رو تمام مبارزات نبی گرامی اسلام هم که با جامعه بت‌پرست و زنده به گور کردن دختر، لخت طواف نمودن خانه خداوند، رباخواری، عصبیت قبیله‌ای، شستن خون با خون و امثال آن بود، عملی ناصحیح شمرده خواهد شد.

بنابراین، بر اساس نظر هانری لامنس، هرگاه منافع ملی جامعه‌ای اقتضا کند می‌توان فردی را در میان همان جمع، به ناحق کشت و یا به مردمان کشور دیگری تهاجم نمود و آنها را، برای نیل به راحتی بیشتر و امکانات زیادتر مورد تهاجم قرار داد.

ادعای «هیو کندی» هم نادرست است، به دلیل اینکه مخالفت و تکبر در برابر هر ظالم و متکبری، از نظر اخلاقی و ارزشی، عملی غیراخلاقی و ضد ارزش شناخته نمی‌شود، بلکه اتفاقاً یک امر مطلوب شمرده می‌شود، زیرا هر نوع تواضع در مقابل او، موجب جری شدن وی در تکبرطلبی و نیز سرایت تکبر و فساد به آحاد جامعه می‌گردد، خاصه از این حیث که فرد مورد نظر، در رأس هرم و حاکمیت جامعه قرار بگیرد مضرات و خسارات اخلاقی اش مضاعف می‌گردد و از طرفی باعث می‌شود که شخص مقابل انسان متکبر، به شخص ضعیفی تبدیل گردد و این ضعفش، موجب ضعف در امور دیگرش گردد. پس، انکسار و حس ضعف در مقابل متکبر، از همه جهت برای شخص متکبر و زبردست و خود جامعه، به طور کلی زیان و ضرر محسوب می‌شود.

یزید بر اساس شواهد متقن تاریخی، شخصی مستبد و ستمگر بود و آموزه‌های دینی و قرآنی را به سخریه می‌گرفت و از طرفی، امام حسین، شخصیتی دینی و متخلق به اخلاق اسلامی و الهی داشت. بر این اساس چگونه می‌توان برخورد امام در مقابل او را از نوع سرکشی و نخوت به حساب آورد و در مقابل، رفتار یزید که رفتاری نابخردانه و غیرانسانی و ناجوانمردانه بود، عملی ارزشی و اخلاقی شمرد؟

تحلیل دوم: نگاه بیرونی

اگر قدرت‌طلبی شخصی، برای رساندن خدمت به عموم مردم باشد، نمی‌توان آن را از حیث اخلاقی، امری نامطلوب و ضد ارزشی قلمداد نمود، زیرا این عملکرد، در جهت نفع رساندن و خدمت کردن به عموم جامعه است. هیچ بشری بر اساس احکام عقلی یا عقلایی نمی‌تواند چنین رفتاری را نابخردانه و ناپسند بشمارد، زیرا طبق مبنای اخلاق پیامدگرایانه در فلسفه اخلاق، مفیدبودن و منفعت‌داشتن، ملاک ارزشی شناختن رفتار و سخن به حساب می‌آید و با صرف‌نظر از این دیدگاه نیز به دست آوردن قدرت با نیت خدمت به مردم و هدایت آنان از لحاظ اخلاقی مذموم نیست. بنابراین، اگر کسی بر اساس شناختی که از استعدادها و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل خود دارد به این نتیجه برسد که در صورت نیل به قدرت و گرفتن امکانات بیشتر، می‌تواند عموم مردم را به سمت صلاح یعنی راستگویی، ایثار، اخلاص، درستی، وجدان کاری و نظم و سلامتی و امنیت بیشتر سوق بدهد، چنین قدرت‌طلبی، نه‌تنها قبیح نیست، بلکه به دلیل نفع‌رسانی مثبت به دیگران، امری زیبا و اخلاقی هم‌شمرده خواهد شد.

بنابراین، علت اینکه رفتار امام را می‌توان از نوع اخلاقی و ارزش‌شمرده، نظریه پیامدگرایی است که بر اساس آن، گفته شده هر گاه عملی به‌خودی‌خود، عملی ضد ارزش هم شناخته شده باشد، ولی به دلیل اشتغال بر سود و مصلحت می‌تواند اخلاقی شمرده شود؛ مثل دروغ‌گفتن که فی‌نفسه، عملی ناسنجیده است، ولی به خاطر ایجاد صلح و رهایی از خطر می‌تواند عملی سنجیده محسوب شود. بنابراین، هرچند ممکن است رفتار امام برای خود ایشان، خطرات و زیان‌هایی را به دنبال بیاورد، برای خاطر سود عمومی که از باب مثال، رهایی جامعه از ظلم ستمگر باشد، مجوز ارزشمندی خود قیام می‌باشد. اما با صرف‌نظر از نظریه فوق‌باز هم کسب قدرت چه به لحاظ اخلاق فضیلت و چه از منظر اخلاق و وظیفه‌گرایانه، می‌تواند قابل دفاع باشد.

دلیل بر ادعای مذکور، مفاد خود آموزه‌های دینی است، چراکه اگر منظور از سودمندی در حرکت و قیام، سود شخصی و منافع مادی است از دیدگاه قرآن و احادیث، حرکت مذکور محکوم و مخدوش است؛ به دلیل اینکه طبق آیات الهی، دنیای مادی در مقابل دنیای ابدی روز قیامت، امر ناچیزی است و ارزش ندارد انسان برای خاطر آن، جان، مال و ناموس خودش و خانواده و پیروان خودش را به خطر بیندازد. این کار نه‌تنها عقلانی نیست، بلکه عقلایی هم نیست.

### ب) مخالفت با شخصیت درونی و بیرونی امام حسین

اصولاً، امام حسین که مطابق آیات قرآنی، از افراد پاک و معصوم شناخته می‌شود، چگونه می‌توان ایشان را به قدرت‌طلبی متهم نمود؟ حال، چگونه امکان‌پذیر است که چنین شخصی، کار خودش را بر پایه منافع مادی و سود دنیوی آن هم در شکل شخصی بنا نماید؟

این در حالی است که خود آن حضرت در سخنان خودشان، دنیا را بی ارزش معرفی نموده و درباره مذمت دلبستگی به آن چنین می‌فرماید: «... أَمَا يُعَدُّ فُكَاَنَ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ وَ كَأَنَّ الآخِرَةَ لَمْ تَزَلْ وَ السَّلَامُ؛ اما بعد، مثل اینکه دنیا، وجود نداشته و آخرت، همیشگی بوده و هست».<sup>۲۲</sup> یکی از مصادیق بارز دنیا، قدرت است که بیشتر وقت‌ها، برای نیل به منافع مادی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. حال امام حسین که درباره قدرت دنیوی، چنین سخنی دارد چگونه امکان‌پذیر است برای رسیدن به دنیای مادی و مصادیق آن بخواهد همه پیروان خودش را به خطر بیندازد؟

از طرف دیگر، متهم نمودن امام به قدرت‌طلبی برای نیل به سود شخصی و منافع مادی، با سیره آن حضرت هم در تعارض است، زیرا صفحات تاریخ، گویای این است که یکی از اوصاف و خصایص امام در حیات خود، صفت بخشندگی بوده است. شخصی که در طول زندگی خود نزدیک به ۲۵ بار بخشی از اموال خودش را به فقرا می‌بخشد و بردگان را آزاد می‌کند، چگونه امکان دارد که به دنیا دلبسته و وابسته باشد؛ به طوری که برای رسیدن بدان خطر بزرگی به اندازه حادثه عاشورا را برای خودش بخرد؟ برای نمونه، انس می‌گوید: نزد امام حسین شرفیاب شدم. کنیزکی که دسته‌گلی در دست داشت بر آن حضرت وارد شد و آن را به امام هدیه نمود. حضرت بدو فرمود: «تو در راه خداوند آزاد هستی». انس از دیدن این جریان مبهوت شد و به حضرت عرضه داشت: «اماما! کنیزکی را تنها در قبال دسته‌گلی که به شما هدیه نمود، آزاد کردی؟!» حضرت در پاسخ فرمود: «کذا آدبنا الله، قال تبارک و تعالی: «وَ إِذَا حُيِّئْتُمْ بِحَيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا»».<sup>۲۳ و ۲۴</sup>

با در نظر گرفتن ادله فوق نمی‌توان بیان داشت که امام حسین بر اساس هدف نیل به قدرت و ثروت قیام نمود و این سودمندی دنیوی بود که او را به قیام واداشت. همانگونه که چارلز دیکنز، نویسنده انگلیسی می‌گوید: «اگر منظور امام حسین (علیه السلام) جنگ در راه خواسته‌های

۲۲. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، چاپ اول (نجف اشرف: نشر دارالمرتضویه، ۱۳۵۶ش)، ۷۵.

۲۳. نساء، آیه ۸۶.

۲۴. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، ۲: ۳۱.

دنیایی خود بود، من نمی‌فهمم چرا خواهان و کودکنش را همراه خود برد؟ پس، عقل چنین حکم می‌کند که او به خاطر اسلام فداکاری کرد.<sup>۲۵</sup>

## ۲.۷. مشروعیت عملکرد حزبی و گروهی

دوایت دونالدسن آمریکایی (Dwight Donaldson) (۱۸۶۲-۱۹۳۷) بر این باور است که عملکرد امام، نشانگر این است که از منظر ایشان، هرگاه ائتلافی از آدمیان، کسی را برای انجام کاری دعوت کند، آن دعوت، مجوز برای انجام هر کاری برای اوست حتی اگر اعتراض او به حکومت وقت، منجر به ناامن‌سازی در جامعه گردد. وی می‌گوید که امام با اینکه نصیحت برادرش محمد بن حنفیه را نیکو شمرد، برایش بیان داشت که بی‌پاسخ گذاشتن دعوت مردم کوفه کاری نادرست است.<sup>۲۶</sup> گویا، از منظر امام حسین دعوت و مشارکت، مجوز حسن و شایستگی آن عمل از سوی فرد و گروه است حتی کار ناهنجار باشد.<sup>۲۷</sup>

«دیوید پینولت»، مستشرق دیگری است که معتقد است قیام امام حسین، در پاسخ به دعوت مردم کوفه بود که بر اثر بی‌وفایی آنان به قتل رسید.<sup>۲۸</sup>

از سخنان هر دو مستشرق معلوم می‌شود که آنها می‌خواهند ادعا کنند که عملکرد امام در راستای مشروعیت‌بخشی به عملکرد حزبی و ارزشی قلمداد نمودن رفتار گروهی است، هرچند خود عمل، ضدارزشی باشد.

## نقد و بررسی

از بیانات هر دو شخص، متصور است که هر دو نفر، می‌خواهند این ذهنیت را در ذهن مخاطب ایجاد کنند که قیام امام، به دلیل پاسخگویی به دعوت مردمان کوفه و پیروان خود در سرزمین عراق انجام گرفته است و در نتیجه، مستفاد از عملکرد امام این است که می‌توان عملی را با خواسته اکثریت یا هم‌حزبی انجام داد، هرچند خود عمل نادرست و ضدارزشی باشد.

۲۵. رجبعلی مظلومی، رهبر آزادگان (تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۶۲)، ۵۲.

26. Donaldson, D. M., *the Shiite Religion: A History of Islam in Persia and Irak* [Iraq] (London: Luzac, 1933), 80.

27. Salibi, K. S. *Islam and Syria in the writings of Henri* (London: Published, 1962).

۲۸. سید حسن قریشی کرین، «اهداف امام حسین در آثار برخی از مستشرقین»، فصلنامه معارف حسینی، شماره ۲۰ (۱۳۹۹): ۹۰ به بعد.

نقد و بررسی نگاه مستشرقان به قیام امام حسین (علیه السلام) از ... / کریمپور قراملکی ۲۸۳

اما این ادعا که امام با پاسخ مثبت دادن به پیروان خود، مشروعیت بخشی رأی گروه و حزب را به نمایش گذاشت، موجه نیست، زیرا پاسخ مثبت امام به دعوت کوفیان، به دلایلی خاص بود که برخی از آنها به شرح ذیل است:

### الف) اتمام حجت بودن دعوت مردم کوفه برای قیام

امام بر اساس وصیت خود که از نصوص سخنان ایشان محسوب می شود، بیان می دارند که برای اصلاح امت خود و امر به معروف و نهی از منکر، دست به قیام زده است. حال، در رسیدن به این هدف مقدس دعوت اکثریت مردم کوفه، اتمام حجتی برای امام در قیامش محسوب می گردد، چراکه در بعضی کتاب های تاریخی تعداد افرادی را که آمادگی خود را برای یاری امام حسین (علیه السلام) اعلام کرده بودند تا ۱۴۰ هزار نفر نیز ذکر کرده اند،<sup>۲۹</sup> اما حتی اگر این عدد مبالغه آمیز باشد، یک مطلب مسلم است و آن وجود اکثریت قاطع و بسیار عظیمی از مردم کوفه است که برای جهاد علیه حکومت اموی در رکاب آن حضرت اعلام آمادگی کرده بودند.

آیا به راستی صحیح بود که امام حسین (علیه السلام) در برابر این اکثریت عظیم و درخواست های مکرر آنان و نامه های فراوانشان سکوت کند و به سابقه آنها استناد نماید که در عهد امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امام حسن (علیه السلام) یاران وفاداری نبودند و آن دو امام معصوم را در برابر دشمن تنها گذاشتند؟ آیا با وجود این، نامه ها و تقاضاها و اعلام آمادگی ها این احتمال تقویت نمی شد که مردم کوفه به اشتباهات و تقصیرهای گذشته خود پی برده اند و اکنون قصد جبران آنها را دارند؟

از سوی دیگر، بی پاسخ گذاشتن دعوت کوفیان در ذهن همه کوفیان و قضاوت تاریخی، به معنای اتخاذ احتیاط و ترک مخاصمه به دلیل ترس امام تلقی می گردید. بنابراین، نمی توان دعوت کوفیان و پاسخ مثبت امام به آن را، دلیل اصلی در قیام امام دانست.<sup>۳۰</sup>

### ب) ضرورت پاسخ مثبت امام به دعوت مردمان کوفه

اصولاً امام در آن موقعیتی که قرار داشت به دلایل اخلاقی، جوابی غیر از پاسخ مثبت به دعوت کوفیان نداشت. ادله ای که امام را به پاسخ مثبت مجاب می ساخت، اینهاست:

#### ۱) اقتضای شرایط و موقعیت

۲۹. محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ۳: ۲۷۸.

۳۰. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، جلد ۱۷ (تهران: نشر صدرا، ۱۳۷۵): ۲۰۷ به بعد.

مردمان کوفه، حکومت عدالت‌جو و عدالت‌پرور حضرت علی (علیه السلام) را به یاد داشتند و از طرفی، ظلم و ستمی که در زمان حکومت یزید بر آنان روا می‌داشت، از نزدیک شاهد بوده و با آن درگیر بودند. در چنین موقعیتی، مصلحت در این دیدند که از فرزند مبارک آن حضرت برای نجات‌دادن خود، دعوت به حضور در بین خود نمایند. حالا که امام با دعوت بی‌شمار آنان روبه‌رو می‌شوند از نظر اخلاقی باید بدان پاسخ منفی بدهند یا باید پاسخ مثبت بدهند. معلوم است عقلای عالم در چنین وضعیتی برای انسان، حکم به پاسخ مثبت می‌دهند. امام نیز طبق ملاحظه شرایط ظاهری، خودشان را ملزم به پاسخ مثبت دیدند.

#### ۲) اقتضای سنجش اهم و مهم

امام (علیه السلام) از یک طرف با دعوت کوفیان مواجه بود و اینکه آنها، اظهار یاری و پشتیبانی در ظاهر می‌نمودند، از منظر اخلاقی، ضروری بود به آنها جواب مثبت بدهد و از طرف دیگر، این موضوع را هم درک و فهم می‌کرد که بر اساس سابقه بد مردمان کوفه، محتمل است مغلوب زر و زور حکومت وقت شوند یا حاکم وقت، قیام او را شورش بر علیه حکومت وانمود نماید. امام در این شرایط، بین اهم و مهم قرار داشت. معلوم است که وجه اول برخلاف وجه دومی، اهم است و امام، باید آن را بر دومی مقدم بدارند. پس، اگر امام به دعوت مردم کوفه، پاسخ منفی می‌داد در واقع، به وظیفه اخلاقی خود عمل نکرده و محکوم می‌گردید. از این رو، امام با تشخیص وظیفه اخلاقی خود، همه عالم را برای بعد خودش، مجذوب عمل اخلاقی خود قرار داد و همه عاشقان حقیقت را، پیرو عمل خود ساخت.

#### ۳.۷. دنبال کردن شهرت‌طلبی و خودنمایی

برخی مستشرقان، بیان داشته‌اند که امام حسین (علیه السلام) به دنبال شهرت‌طلبی و جاه‌طلبی بود و می‌خواست در جهان اسلام، شهرت بیابد و مورد توجه مسلمانان قرار بگیرد؛ از این رو قیام کرد تا به این هدف خود نائل گردد. برای نمونه، هنری لامنس کشیش بلژیکی، بر این باور است که حسین بن علی در مقام خودنمایی بود و در عین بی‌ارادگی و عزم سست، شکست در اندک مدتی و انجام‌ندادن عمل قهرمانانه می‌خواست مقابل بنی امیه بایستد و خلافت را از آنان بستاند.<sup>۳۱</sup>

#### نقد و بررسی

طبق تعالیم اخلاق قرآنی، عمل عامه‌پسندی مذموم است که از روی هوس بازی و منافع مادی

۳۱. دائرة المعارف الاسلامیة، مدخل حسین بن علی، جلد ۷، ۴۲۷-۴۲۹.

نقد و بررسی نگاه مستشرقان به قیام امام حسین (علیه السلام) از ... / کریمپور قراملکی ۲۸۵

و دنیوی باشد، نه آن عملی که باعث برقراری دین خداوند و یاد او در دل‌ها باشد. منظور از «لسان صدق» در دعای حضرت ابراهیم بر اساس آیه ۸۴ سوره شعراء: «اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» و استجاب دعای ایشان در آیه ۱۰۴ سوره صافات، «وَتَرْكُنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ» و همینطور مقصود از آن در آیه ۵۰ سوره مریم، «وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيمًا»، استقرار دعوت و رسالت الهی روی زمین و ستایش نیکوی خداوند در آن، به وسیله اعمال رسولان الهی است.<sup>۳۲</sup> از این نوع آیات معلوم می‌شود که پیامبران نیز به دنبال نام نیک و شهرت بودند، اما شهرت در انجام اعمال صالح و در راه منویات الهی که هدایت و سعادت مرم را پیگیر است، نه اینکه سبب شود در اثر تأسی مردم از صاحب شهرت، خوشبختی مردم از بین برود.

بر اساس مفاد احادیث هم، صرف شهرت انسان و رسیدن به آن مرتبه امری مذموم نیست، بلکه نوعی شهرت و زبانزدبودن صفت رذیله شناخته می‌شود که سبب اشاعه باطل گردد، ولی در صورتی که شهرت عامل اشاعه خیر باشد ممدوح است. پیامبر اسلام در پاسخ به سؤال درباره مردی که کار خوبی [برای آخرتش و نه ارائه به مردم] انجام می‌دهد و مردم او را می‌ستایند، فرمود: «تلك عاجل بُشْرَى الْمُؤْمِنِ؛ این همان بشارتی است که در دنیا به مؤمن می‌رسد».<sup>۳۳</sup>

بنابراین، گمنامی و شهرت‌طلبی بدون اختیار و اراده و بدون تصمیم قبلی، متصف به حسن و قبح نیست، بلکه آن شهرت‌طلبی، صفت رذیله است که انسان، به دنبال آن در راه شیطان باشد و بخواهد آن را کسب بکند. لکن از آنجاکه راه و رسم امام حسین در حیات جمعی‌اش، بندگی خداوند و دعوت مردم به سوی خداوند و حقایق حق در زندگی بود. به‌طور طبیعی، جاری شدن یاد و نامش در زبان و دل مردمان هم در راستای برقراری یاد و نام خداوندی و همدردی و درس‌آموزی در ظلم‌ستیزی و ابعاد دیگر است و این امری ممدوح و جزو صفات حمیده شناخته خواهد گردید. همانگونه که یاد و نام پیامبران و اولیای الهی در نزد مردمان گذشته، کنونی و آینده بر روی زمین از این قبیل است.

این ادعا، همان نکته مهمی است که حتی در قلم برخی مستشرقان، به آن اشاره شده است. برای نمونه، ادوارد براون در این زمینه می‌نویسد: «آیا قلبی پیدا می‌شود که وقتی درباره

۳۲. سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، جلد ۱۵، چاپ دوم (بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق)، ۲۸۶.

۳۳. مسلم‌بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، جلد ۴ (قاهره: نشر دار الحدیث، ۱۴۲۳ق)، ۲۰۳۴، حدیث ۱۶.

کربلا (و امام حسین) سخن می‌شنود، آغشته با حزن و الم نگردد؟ حتی غیرمسلمانان نیز نمی‌توانند پاکی روحی را که در این جنگ اسلامی در تحت لوای آن انجام گرفت انکار کنند».<sup>۳۴</sup>

## ۸. جمع‌بندی مطالب

از آنچه بیان شد، نتیجه گرفته می‌شود:

۱. قضاوت‌های ناعادلانه برخی مستشرقان، به دلیل حصر در نگاه تاریخی آنان به قیام اباعبدالله است. راه‌هایی از آن نگرش پدیدارشناسانه به حادثه عاشورا است.
۲. مبانی و معیارهایی که بر اساس آنها، برخی مستشرقان، خواسته یا ناخواسته، امام حسین (علیه السلام) و شخصیت ایشان را زیر سؤال برده‌اند، از هر دو نظر بنایی و مبنایی باطل و قابل‌خدشه هستند. حیثیت بناء، محصول نگرش تاریخی است و حیثیت مبنا نیز، با موازین اخلاقی، آموزه‌های قرآنی، سیره و سخنان خود آن حضرت در تضاد و توافی است.
۳. قدرت خواهی امام حسین (علیه السلام)، برای حاکمیت طاعت خداوندی و رفع ظلم از روی زمین بود نه برای خاطر منافع نفسانی و شیطانی. پاسخ‌گویی به دعوت مردمان کوفه هم، به‌عنوان اتمام‌حجتی برای کوفیان بود و الا از منظر امام، اگر دعوت هم نبود قیام تحقق می‌یافت. از طرفی، امام به دنبال یاد و نام خود در خاطره انسان‌ها نبود بلکه برای زنده نگه داشتن سیره جدش، پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و احیای اصل «امر به معروف و نهی از منکر» بود.

## سیاهه منابع

### الف - منابع فارسی:

- ابن سعد، محمد بن سعید. *الطبقات الكبرى*. چاپ دوم. بیروت: نشر دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸.
- ابن عساکر، علی بن حسن. *تاریخ مدینه دمشق*. چاپ اول. بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد. *کامل الزیارات*. نجف اشرف: نشر دارالمرتضویه، ۱۳۵۶ ش.
- ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی. *وقعة الطّف*. قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۷.
- ادوارد براون. *تاریخ ادبیات ایران*. ترجمه بهرام مقدادی. تهران: مراوید، ۱۳۶۹.
- اربلی، علی بن عیسی. *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*. چاپ اول. قم: نشر رضی، ۱۴۲۱.
- بارا، آنتوان. *امام حسین در اندیشه مسیحیت*. ترجمه دکتر فرامرز میرزایی و دکتر علی باقر طاهر نیا. همدان: دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۸۱.
- بلاذری، احمد بن یحیی. *أنساب الأشراف*. تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی. بیروت: نشر دار الفکر، ۱۴۱۷.
- پورتر، جین. «اخلاق فضیلت»، *فصلنامه قیاسات* ۴، شماره ۱۳ (دی ۱۳۷۸): ۱۴۰-۱۴۷.
- حلی، جعفر بن محمد ابن نمای. *مثیر الاحزان*. قم: انتشارات مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۶ ق.
- خواص، امیر، اکبر حسینی قلعه بهمن، احمد دبیری، احمد حسین شریفی، و علی پاکپور. *فلسفه اخلاق*. قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵.
- زمانی، محمد حسن. *شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان*. قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
- زمخشری، محمود. *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. چاپ دوم. قم: نشر البلاغه، ۱۴۱۵.
- سایکس، سر پرسی. *تاریخ ایران*. ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی. تهران: چاپخانه علمی، ۱۳۸۸.
- سعید، ادوارد. *شرق شناسی*. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.
- شیمیل، آنه ماری. *ابعاد عرفانی اسلام*. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴.
- صفر علی پور، حشمت الله. *کتابشناسی اختصاصی امام حسین*. قم: یاقوت، ۱۳۸۱.
- طباطبایی، سید محمد حسین. *تفسیر المیزان*. چاپ دوم. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰.
- طبری، محمد بن جریر. *تاریخ طبری*. مصر: نشر دارالمعارف، ۱۱۱۹.
- علیشاهی، علی، و امین علیشاهی. «امام حسین و عاشورا پژوهی مستشرقین فرانسوی»، *فصلنامه معارف حسینی* ۴، شماره ۱۶ (زمستان ۱۳۹۸): ۸۹-۱۰۶.
- فرانکنا، ویلیام کی. *فلسفه اخلاق*. ترجمه هادی صادقی. قم: کتاب طه، ۱۳۸۳.

۲۸۸ دین و دنیای معاصر / سال ۱۰ / شماره ۱ / پیاپی ۱۸ / صص ۲۷۱-۲۸۸

- قریشی کرین، سید حسین. «اهداف امام حسین در آثار برخی از مستشرقین»، فصلنامه معارف حسینی، شماره ۲۰ (زمستان ۱۳۹۹): ۹۱-۱۱۲.
- کریم‌پور قراملکی، علی. «جستاری در معناشناسی و گستره خلق عظیم»، فصلنامه تفسیر پژوهی، شماره ۱۲ (مهر ۱۴۰۰): ۲۵۳-۲۷۴.
- کریم‌پور قراملکی، علی. صیانت قرآن کریم (پاسخ به برخی از شبهات مستشرقان). قم: نشر ادبا، ۱۳۹۷.
- مایکل کوک. امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی. ترجمه احمد نمایی. مشهد: آستان قدس، ۱۳۸۴.
- مطهری، مرتضی. مجموعه آثار. تهران: نشر صدرا، ۱۳۷۵.
- مظلومی، رجبعلی. رهبر آزادگان. تهران: نشر بنیاد بعثت، ۱۳۶۲.
- معلمی، حسن. فلسفه اخلاق. چاپ اول. قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴.
- مک ناوتن، دیوید. نگاه اخلاقی. ترجمه حسن میاننداری. تهران: نشر سمت، ۱۳۸۳.
- ملکیان، مصطفی. امام حسین (علیه السلام) قدیس و قهرمان اخلاقی. تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۳.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج. صحیح مسلم. قاهره: نشر دار الحدیث، ۱۴۲۳.
- نیکلسون، رینولد. تاریخ ادبیات ایران. ترجمه کیوانداخت کیوانی. تهران: نشر میستار، ۱۳۸۰.

ب- منابع لاتین:

- Kennedy, Huch. "The caliphate." in Choueiri, ed, 2005.
- Lammens, H. *Islam, Beliefs, and Institutions*. Translated by Sir E. Denison Ross. London: Methuen, 1926/ 1929.
- Nicholson, R. A. *A Literary History of the Arabs*. Cambridge: Cambridge University Press, 1907/ 1914.
- Salibi, K. S. *Islam and Syria in the writings of Henri*. London: Published, 1962.
- Donaldson, D. M. *The Shiite Religion: A History of Islam in Persia and Irak*. London: Luzac, 1933.